



یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

یادآوری

خداوند تبارک و تعالی، مواهب گوناگونی را برای بندگان خود در نظر گرفته تا آنها شاکر نعمت‌های او بوده، دعا را برای خواسته‌های منطقی خود فراموش نکنند.

آیه فوق نیز هم‌چنان بحث از مواهب بزرگ الهی و شمول آن نسبت به بندگان را ادامه می‌دهد، تا هم شناخت بیشتری به آنها عطا کند و هم امید افزون‌تری، تا در پرتو آن، به مقام دعا بر آیند و از اجابت برخوردار شوند.

جالب این که در آیات گذشته، سخن از نعمت‌های زمانی، یعنی شب و روز بود و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُم بِأَحْسَنَ صُورٍكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (آیه ۴۶ سوره غافر)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جای گاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان) و شما را صورت‌گیری کرد و صورت‌تان را نیکو آفرید و از چیزهای پاکیزه به شما روزی داد. این است خداوند، پروردگار شما. جاوید و پر برکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است.

او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و هنگامی که کاری را مقرر کند، تنها به آن می‌گوید: موجود باش! بی‌درنگ موجود می‌شود.

یادآوری

حیات و ممات تمام موجودات، در ید پر قدرت خداوند تبارک و تعالی است. از این رو، آیه فوق سخن از مهم‌ترین مظاهر قدرت پروردگار، یعنی مسأله حیات و مرگ به میان می‌آورد. همان دو پدیده‌ای که با تمام پیش رفت علوم بشر، هنوز جزء معماهای ناگشوده است. می‌فرماید: او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. آری حیات و مرگ به معنی وسیع کلمه، چه در گیاهان و چه انواع حیوانات و انسان‌ها به دست خداوند است. حیات در اشکال مختلف و انواع گوناگون ظاهر می‌شود. جالب این که از موجودات زنده تک سلولی گرفته، تا حیوانات غول پیکر، از اعماق اقیانوس‌های تاریک و ظلمانی گرفته، تا پرندگان که در اوج آسمان‌ها پرواز می‌کنند. از گیاه ذره‌بینی بسیار کوچکی که در لابه‌لای امواج اقیانوس شناور است، تا درختانی که ده‌ها متر طول قامت دارند، هر یک دارای نوعی حیات و شرایطی مخصوص به خود می‌باشند و به همین نسبت، مرگ‌های آن‌ها نیز متفاوت است. بدون شک، چهره‌های حیات، متنوع‌ترین چهره‌های جهان خلقت و اعجاب انگیزترین آن‌ها است.

در این جا سخن از نعمت‌های مکانی، یعنی قرارگاه زمین و سقف مرتفع آسمان است. از این رو، می‌فرماید: خداوند همان کسی است که زمین را برای شما، جایگاه مطمئن و آرامی قرار داد.

سپس می‌افزاید: آسمان را هم چون سقف و قبه‌ای بالای سر شما قرار داد. انسان بر خلاف غالب حیوانات که با دهان آب و غذا می‌خورند، با دست خود و با دقت و ظرافت غذا و نوشیدنی را بر می‌دارد و به دهان می‌گذارد و این امر کمک فراوانی به انتخاب غذاهای پاک از غذاهای آلوده می‌نماید.

سرانجام این آیه در بیان چهارمین و آخرین نعمت از این سلسله، موضوع روزی‌های پاکیزه را مطرح کرده و می‌فرماید که او شما را از چیزهای پاکیزه روزی داد.

طبیات معنی گسترده‌ای دارد، که هر چیز پاکیزه اعم از غذا، لباس، همسران، خانه‌ها، مرکب‌ها، حتی سخنان و گفت و گوهای پاکیزه را شامل می‌شود.

در پایان آیه نیز بعد از بیان این چهار نعمت بزرگ که نیمی از آن به آسمان و زمین بر می‌گردد و نیمی از آن به انسان‌ها، می‌فرماید: این است خداوند، پروردگار شما و چون چنین است، جاوید و پر برکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است (چهارشنبه ۹۹/۸/۲۸).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آیه ۸۶ سوره غافر)

که همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می‌کردید تا از شما شفاعت کنند و از میان این عذاب‌های دردناک و امواج متلاطم آتش دوزخ رهایی بخشند، مگر بارها نگفتید که ما این‌ها را به خاطر آن پرستش می‌کنیم که شفیعان ما باشند؟ پس شفاعت آن‌ها کجا رفت؟

ولی آن‌ها با سرافکنندگی و سرشکستگی در پاسخ می‌گویند: آن‌ها از نظر ما پنهان شدند و نابود و هلاک گشتند، به‌طوری که هیچ خبری از آن‌ها نیست.

بدون شک، همان‌گونه که در سایر آیات قرآن نیز آمده، این معبودان دروغین در جهنم هستند، وای بسا در کنارشان باشند، اما از این نظر که هیچ نقش و تأثیر و خاصیتی ندارند، گویی گم و گور شده‌اند!

سپس، آن‌ها می‌بینند که اصل اعتراف به عبودیت بت‌ها، داغ ننگی بر پیشانی‌شان است، از این رو، در مقام انکار بر می‌آیند و می‌گویند: ما اصلاً قبل از این، چیزی پرستش نمی‌کردیم!

این‌ها اوهام و خیالاتی بیش نبودند، که ما آن‌ها را واقعیت‌هایی می‌پنداشتیم. سراب‌هایی بودند در بیابان زندگی ما، که آن‌ها را آب گمان می‌کردیم. اما امروز برای ما روشن شده که آن‌ها اسم‌هایی بی‌مسمی و الفاظی بی‌معنی و مفهوم هستند که پرستش آن‌ها، جز ضلالت و گمراهی و بیهودگی هیچ نبود. بنابراین، آن‌ها یک واقعیت غیرقابل انکار را بازگو می‌کنند. در پایان آیه نیز می‌فرماید: این‌گونه خداوند کافران را گمراه می‌سازد.

واقعیت مسأله این است که انتقال از جهان بی‌جان، به جهان موجودات زنده و انتقال از جهان حیات به مرگ، دارای شگفتی‌هایی است که اسرار آفرینش را بازگو می‌کند و هر کدام، آیتی از آیات قدرت خدا است اما قابل توجه این که، هیچ یک از این مسایل مهم و پیچیده، در برابر قدرت او، صعوبت و اشکالی ندارد و به محض اراده و فرمانش صورت می‌گیرد.

از این رو، در پایان آیه می‌فرماید: هنگامی که چیزی را اراده کند، تنها به او می‌گوید موجود باش، او نیز بلافاصله موجود می‌شود (پنج شنبه ۹۹/۸/۲۹).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مَنْ دُونَ اللّٰهِ قَالُوا صَلِّوْا عَلٰى بَلِّ لَمْ نَكُنْ
نَدْعُوْا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ
الْكَافِرِيْنَ (آیه ۴۷ سوره غافر)

همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می‌کردید؟! آن‌ها می‌گویند: همه از نظر ما پنهان و گم شدند، بلکه ما اصلاً پیش از این چیزی را پرستش نمی‌کردیم! این‌گونه خداوند کافران را گمراه می‌سازد.

یادآوری

همان‌گونه که بارها متذکر شده‌ایم، کفار و بت‌پرستان چنین عنوان می‌کردند که ما بت‌ها را برای این پرستش می‌کنیم که شفیعان ما در روز قیامت شوند. بنابراین، آیه فوق چنین عنوان می‌نماید

در میان این غل و زنجیرها و در لابه‌لای شعله‌های آتش بدهید. تفرحون از ماده فرح به معنی شادی و خوش حالی است، که گاهی ممدوح و شایسته است. همان‌گونه که در آیه ۴ سوره روم آمده است: در آن روز (که رومیان اهل کتاب، بر مشرکان پیروز گردند) مؤمنان شاد خواهند شد.

گاهی هم این خوش حالی مذموم و براساس باطل است. چنان که در داستان قارون در آیه ۷۶ سوره قصص می‌خوانیم: به خاطر بیاور هنگامی را که قوم اش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. کلام آخر این که، این‌گونه شادی‌های

توأم با غرور و غفلت و بی‌خبری و هم راه با هوس رانی و شهوت، انسان را به سرعت از خدا دور می‌کند و از درک حقایق باز می‌دارد. واقعیت‌ها را شوخی و حقایق را به سخره می‌گیرند و چنین کسانی سرنوشتی جز گمراهی نخواهند داشت (شنبه ۹۹/۹/۱).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ
مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (آیه ۶۷ سوره غافر)
 از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید و چه بد است جایگاه متکبران.

یادآوری

کبر و غرور و خودخواهی، سرچشمه اصلی تمامی بدبختی‌ها و گمراهی‌های نوع

کفر و لجاجت آن‌ها، پرده و حجابی بر قلب و فکر آن‌ها می‌شود، از این رو، راه مستقیم حق را گذارده، در بی‌راهه گام می‌نهند و در قیامت نیز از راه بهشت محروم شده، به بی‌راهه دوزخ کشیده می‌شوند (جمعه ۹۹/۸/۳۰).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ذَالِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ
بِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ (آیه ۵۷ سوره غافر)
 این (عذاب) به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی به خوش حالی می‌پرداختید.

یادآوری

در مورد سراب‌هایی که بتپرستان آب می‌پنداشتند و بت‌ها را شفیعان خود در روز جزا می‌شمردند، در آیه قبل سخن گفتیم. آیه فوق به علت گرفتاری‌های این گروه، در این همه بلا و مصیبت و عذاب اشاره کرده و می‌گوید که این عذاب‌ها به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی شهوات، به خوش حالی می‌پرداختید.

از مخالفت با پیامبران و کشتن مؤمنان و در فشار گذاردن محرومان و مستضعفان لذت می‌بردید و از ارتکاب گناهان و قانون شکنی‌ها در خود احساس غرور و سربلندی می‌کردید، اکنون باید کفاره آن همه شادی بی‌جا و غرور و غفلت و مستی شهوت را

خلاصه‌اش این است: درهای جهنم، همانند درهای بهشت، اشاره به عوامل گوناگونی است، که انسان را به جهنم یا بهشت می‌کشاند. هر نوع از گناهان و هر نوع از اعمال خیر، دری محسوب می‌شود. در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده است. مطابق این تفسیر، عدد هفت که تعداد درهای جهنم است، برای تکثیر است، نه تعداد و این که گفته می‌شود که بهشت دارای هشت در است، اشاره به افزون بودن عوامل رحمت خداوند تبارک و تعالی از عوامل عذاب و غضب است. البته، باید توجه داشته باشیم که این دو تفسیر با هم تضادی ندارند.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا افراد متکبری نباشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج دوری از غرور و خودخواهی بوده، اجتماع و مردم را به رعایت اصول اخلاقی، تشویق و ترغیب نمایند (یکشنبه ۹۹/۹/۲).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم به خیر.

التماس دعا

بشر بوده، قرآن مجید به کرات در ذم آن سخن گفته است.

از این رو، آیه فوق نیز چنین می‌فرماید که به آن‌ها خطاب می‌شود، وارد شوید از درهای جهنم و در آن جاودانه بمانید. چه بد جایگاهی است، جایگاه متکبران.

این جمله تأکید مجددی است بر این که سرچشمه اصلی بدبختی‌های آن‌ها، همان کبر و غرور بوده است. همان کبری که ام‌الفساد و حجاب در برابر دیدگان حق بین انسان و عامل مقاومت در برابر انبیاء و اصرار در مسیر باطل است.

در این آیه باز به درهای دوزخ برخورد می‌کنیم. در تفسیری چنین می‌خوانیم که آیا داخل شدن از درهای دوزخ به این معنی است که هر گروهی از دری وارد می‌شود؟ یا یک گروه از درهای متعدد می‌گذرند؟ به این معنی که دوزخ همانند بعضی از زندان‌های وحشتناک و تو در تو، از بندها یا طبقات گوناگون تشکیل شده، گروهی از گمراهان سرسخت باید از همه این طبقات بگذرند و در قعر جهنم جای گیرند!

البته، تفسیر دیگری نیز وجود دارد که